



مجموعه داستان، جایی دیگر اثر گلی ترقی شامل ۶ داستان کوتاه و بلند است. به نظر می‌رسد در این مجموعه تلاش نویسنده بیشتر بر آن است که داستان‌هایش هر چه بیشتر بر واقعیت بیرونی تطابق داشته باشد. ملزم بودن نویسنده به این امر باعث شده که نسبت مستقیمی بین جهان داستانی او و جهان واقعی برقرار شود. ویژگی‌ای که باعث تشدید رابطه بین جهان واقعی و جهان ذهنی در این داستان‌ها شده است متکی بر فضاهای ذهنی و پیش فرض‌هایی است که به طور عام در اندیشه خوانندگان وجود دارد. مثلاً در داستان «بازی ناتمام» نوشته شده: «پرواز پاریس - تهران پُر است. خواهش‌ها، التماس‌ها، هارت و پورت‌ها، متم متم کردن‌ها فایده ندارد. جا برای هیچ کس نیست. هیچ کس. نه برای مستکبرین، نه برای مستضعفین، نه برای پیرها، بیمارها، نیمه جان‌ها، ... با این همه، مسافره‌های بدون جا، به دلیلی مجهول - یک جور خوشبینی موروثی یا توکل به لطف الهی - ته دلشان قرص است و از جایشان تکان نمی‌خورند...» (ص ۹) ذهنیت یاد شده نشان دهنده ذهنیتی شرقی است که در آن به احساسات، بیشتر از تعلقات اهمیت داده می‌شود، امری که به مرور در فرهنگ ما نهادینه شده است. فضای کوچک هواپیما که نشان دهنده محیطی مملو از بی‌نظمی، شلوغی، حق خوری، و راجی و... است فضای آشنایی است، چرا که نمایشی از بازار مکاره مردم کشوری توسعه نیافته است. در همین داستان، نویسنده از کارکرد خاطره‌های مشترک و بازگشت به گذشته‌های

شیرین سپری شده نیز استفاده کرده است. «هواپیمای ایران ایر، خودمانی و شلوغ، دنیای خودش را دارد. شبیه به سرپل تجریش است، سرپل آن وقت‌ها، وقتی آدم‌ها، زن و مرد و بچه و پیر و جوان، دسته دسته، جلو بستنی فروشی ویلا، یا نیش سرازیری خیابان سعدآباد جمع می‌شدند، بلال و بستنی می‌خوردند و بحث می‌کردند.» (ص ۱۶) کاملاً آشکار است که در این بخش نویسنده با استفاده از خاطرات قومی مشترک و فضاهای ذهنی مشترک، نسبت مستقیمی بین جهان واقعی خواننده و جهان داستانی خود برقرار کرده است. می‌بینیم که بناشدن داستان‌ها بر یک سلسله خصلت‌ها و عقاید مشترک موجود در ذهن خواننده چگونه همراه با تصویرها و سنت‌های مشترک دیگر باعث انطباق یافتن جهان ذهنی خواننده با واقعیت بیرون از داستان‌ها شده است. در نتیجه موقعیت‌های ایجاد شده، هر خواننده‌ای می‌تواند در فضای داستانی قرار گرفته و خود را با شخصیت داستانی همسان پنداری کند.

نحوه شخصیت‌پردازی در این مجموعه به گونه‌ای است که نویسنده برای آنکه شخصیت‌های داستانی‌اش هر چه بیشتر با شخصیت‌های واقعی انطباق داشته باشند، آنها را نه بر اساس کنش داستانی، بلکه بر پایه توصیف، شخصیت‌پردازی کرده است. مثلاً توصیف یکی از شخصیت‌های فرعی: «شخص بدبین، یا عینک دودی، می‌گوید: «احتمالاً پدر شما را دزدیده‌اند.» و طوری می‌گوید که انگار از حقایق مرموز خبر دارد.» (ص ۱۱) شخصیت بدبین با صفت بدبینی نام‌گذاری شده (به نمایش در نیامده) و تصویر ارائه شده از او تصویری عام از یک فرد مشکوک است. در داستان «جائی دیگر» توصیف یکی از شخصیت‌های اصلی بدین گونه است: «زندگی از او

آدمی آرام و معقول ساخته بود، مردی متمدن، شوهری مطیع، معاون شرکتی معتبر، اهل سازش‌های لازم و دادوستدهای متداول. با این همه، من که او را از دوران قدیم می‌شناختم، می‌دانستم که در پس ظاهر مقبول و معقول او امیرعلی دیگری پنهان است، محبوس در ژرفای خاموش درون، منتظر گریز.» (ص ۱۷۱) تمام خصوصیات درونی و ظاهری این شخصیت در داستان مفصل «جائی دیگر» در همان صفحه اول توصیف و عاقبت او هم مشخص می‌شود، (گریز از خانه). شخصیت‌پردازی ملک‌آذر همسر امیرعلی هم بدین گونه است. «ملک‌آذر زنی دوراندیش و عاقل است. اندازه و میزان چیزها دستش است. پیش از حرف زدن فکر می‌کند و حواسش جمع است. به نظر سرد و محافظه کار می‌آید... بدن و فکرهایش متصل به دو هزار قانون است، دو هزار ملاحظه و احتیاط و تردید...» (ص ۱۷۶) ویژگی‌های شخصیتی و عاقبت ملک‌آذر هم در همین توصیف مشخص می‌شود و بالاخره همان احتیاط و تردید باعث از هم پاشیدگی زندگی مشترکشان می‌شود.

برای بررسی این مجموعه لازم است به زاویه دید یا منظر داستان‌ها نیز توجه کنیم. نویسنده برای روایت تمام داستان‌ها از زاویه دیدی یگانه و ثابت بهره گرفته است و هر ۶ داستان مجموعه را از زاویه دید اول شخص (مرد، زن) روایت کرده است. گزینش و به کارگیری یک نوع شیوه روایت ثابت برای تمام داستان‌ها و همچنین خصوصیات فردی مشترک تمام راوی‌ها (نکته سنج، صریح، واقع بین، مسلط بر اوضاع...) باعث شده که حضور بلاواسطه نویسنده در تمامی داستان‌ها (حتی در داستان‌هایی که راوی مرد است) آشکار باشد. راوی‌های این داستان‌ها دارای چند ویژگی هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهمیه جعفری

تطابق جهان داستانی و جهان واقعی

۱- در تمام داستان‌ها راوی خواننده را مخاطب قرار داده است. و همین امر باعث ایجاد نوعی رابطه عاطفی میان او و خواننده شده است. مثلاً: «وقتی می‌گویم «خوش» منظوم خوشی خاصی است که مربوط به طرز فکر و دنیای امیرعلی می‌شود. از نوع خوشی من و شما نیست، من و شما و دیگران. آدم‌های محافظه‌کار دوراندیش را می‌گویم. آدم‌های سربه راه اهلی.» (ص ۱۷۲)

۲- راوی‌ها همه چیز را روایت می‌کنند، نویسنده حتی آنچه را که در ضمیر ناخودآگاه شخصیت‌ها می‌گذرد در داخل پرانتز آورده است. «مسافره‌های موفق چمدان‌هایشان را به بار داده‌اند و مثل قشونی فاتح، از جلو دیگران می‌گذرند «فقط من‌ها» را کنار می‌زنم (اعتراض‌ها را نشنیده می‌گیرم) و خودم را به جلو صف می‌رسانم.» (ص ۱۷۳)

۳- راوی‌ها بی‌طرف هستند، حتی در داستانی مانند «جانی دیگر» که در آن راوی و امیرعلی با یکدیگر دوست‌اند و ملک آهو دختر مورد علاقه راوی با امیرعلی ازدواج می‌کند، هرچند طبیعتاً راوی نمی‌تواند خلوص نیت داشته باشد، اما این امر از صداقت او نکاسته و او بی‌طرفانه شخصیت آن دو را به معرض نمایش گذارده است تا با این کار به خودشناسی نیز نایل آید. البته به‌رغم درازه‌گویی تا سرحد وسواس راوی، چیزی از او و خصایص درونی‌اش دستگیر خواننده نمی‌شود و هر چه بیشتر می‌گوید به نظر می‌رسد که بیشتر در محاق قرار می‌گیرد.

گلی ترقی، بی‌آنکه خود را به شکل و ساختمان اثر داستان‌هایش محدود کند، آنها را با نثری سلیس و روان روایت کرده است. او دغدغه کلنجار رفتن با متن را ندارد و همین امر باعث شده که اولاً بحران‌های شخصیت‌های داستانی‌اش نمود عینی و بیرونی پیدا

کند؛ مانند امیرعلی که در پی بحرانی درونی یک‌باره دستش بی‌اختیار بر سر همسرش فرود می‌آید و بار دیگر هم پایش بی‌اراده و برخلاف میل او از زیر میز محکم به پای دائی زنش می‌خورد. یا در داستان «درخت گلابی» راوی، مردی نویسنده و فیلسوف است که در جست‌وجوی پی بردن به علت خشک شدن چشمه الهاماتش به باغی که دوره نوجوانی را در آن سپری کرده بود می‌رود. در باغ هم درخت گلابی میوه نداده است. در واقع نازائی ذهن نویسنده در درخت گلابی عینیت پیدا کرده و درخت تبدیل به یک نماد درونی شده است. ثانیاً نداشتن دغدغه «چگونه نوشتن» باعث شده که داستان «سفر بزرگ امینه» بیشتر به یک متن سینمایی شبیه بشود تا یک داستان کوتاه. امینه خدمتکار بنگالی با تمام رفتارها و قواعد خاص فیلم‌های هنری ترسیم شده است. یعنی مراحل سرخوشی بحران و عاقبت به‌خیری قهرمان داستان کاملاً اجرا شده است. وصف امینه در زمان سرخوشی: «زنی است عاشق خواب، خواب عمیق ده ساعته... امینه‌ی خیالی‌باف. نیمه هشیار، امینه در عالم خیال هنرپیشه است. عکسش توی مجله‌هاست... امینه‌ی الکی خوش. با آوازهای پا در هوا و خواسته‌های ناممکن.» (صص ۷۶ و ۷۷) خانواده ایرانی در پی انقلاب به فرانسه مهاجرت می‌کنند و امینه پس از چند سال نزد آنها می‌رود.

با ورود به اروپا دوران بحران امینه آغاز می‌شود: «دیدم که امینه در پاریس کس دیگری است. زرق و برق و جلا ندارد. جهان سومی است. هنر پیشه‌ای دست سوم در فیلمی بی‌ارزش.» (ص ۸۷) امینه می‌خواهد فرزندانش را از نظام مرد سالارانه جهان سومی نجات بدهد. موضوع داستان پرکشش است و خواننده را تا

انتها به دنبال خود می‌کشاند، مانند یک فیلم ملودرام اجتماعی همه در انتظار عاقبت سرنوشت امینه باقی می‌مانند. این داستان هم به پیروی از نمونه‌های سینمایی‌اش ژانر خاص خود را دارد که خوانندگان از قواعد آن با اطلاع هستند و پایان خوب و دل‌نکندن از اصل و ریشه از قالب‌های پیش ساخته آن است. (امینه با مردی فرانسوی ازدواج می‌کند و پس از چند سال می‌میرد) دختر امینه پزشک شده و ترجیح می‌دهد که به بنگلادش رفته و به مردمش خدمت کند.

در این مجموعه، داستان «اناربانو و پسرهایش» داستانی ماندنی است. اناربانو «پیرزنی دهاتی‌ست، گیج و دست‌پاچه است.» (ص ۴۷) که می‌خواهد برای دیدار پسرهایش به سوئد برود. می‌گوید: «ده سال است که پسرهایم را ندیده‌ام. دلم مثل سیر و سرکه می‌جوشد. گفتم الهی قربانتان بروم چرا رفته‌اید آن سر دنیا؟ یزد خودمان چه عیب و ایرادی داشت؟ جد کردند که می‌خواهیم برویم...» (ص ۴۸) به استاد این مشخصات خاص زمانی و مطابقت آن با تقویم تاریخی، شخصیت اناربانو شخصیتی معاصر است با تمام گرفتاری‌ها و مشخصات خاص این دوران. اما در سرگذشتش چیزی نرفته که او را بیشتر شبیه شخصیتی افسانه‌ای کرده است. اناربانو می‌گوید: «من زیر درخت انار بزرگ شده‌ام. بایا تنه که نداشتم. به جای شیر مادرم بهم آب انار دادند. شاخه‌ی درخت را می‌کشیدم پایین. انار آبلیمو را میک می‌زدم. خیال می‌کردم پستان مادرم است. مردم می‌گفتند انارک این درخت مادر توست. درخت عشق است. کنارش هم یک درخت چنار بود. گفتند این هم پدر توست. ما شدیم صاحب پدر و مادر.» (ص ۵۵) بنابراین درهم‌آمیزی افسانه و داستان باعث ماندگاری این داستان در ذهن خواننده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جایی دیگر

گلی ترقی

انتشارات نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۷۹

گلی ترقی

جایی دیگر